فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی – دانشکده علوم انسانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج – سال دوم / شماره ۵ / زمستان ۱۳۸۹

پیشینه‌ی ادبیات متعهّد در منظومه‌های کهن فارسی و ادبیات غرب

سیّد احمد حسینی کازرونی
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی ـ واحد بوشهر

تاریخ دریافت: * تاریخ پذیرش:

چکیده

طرز گفتار و شیوه‌ی سخن‌سرایی در هر عصر و زمانه‌ای، نمایانگر عقاید و درون‌مایه‌های شعری شاعرانی است که به نوعی در آثارشان جلوه‌ی ظهور یافته است.

استاد توس، حکیم فردوسی از جمله کهن‌سرایانی است که در یک هزار سال پیش در حماسه‌ی عالم‌گیر خود از شرافت انسان‌های نیک‌رفتار به دفاع پرداخته یا هم‌اقلیمی وی، حکیم ناصر خسرو را می‌بینیم که رنج زمانه را به وفور دریافته و مدّاحان جفاپیشه را در شعرش، همراه با ستم‌گران تاریخ به باد انتقاد گرفته و در دیوان شعرش، «لفظ دُرّ دری» را به پای خوکان روزگاران نریخته است.

سعدی جهان دیده را در نظر آوریم که غرق در اندیشه‌های بشردوستانه، نخستین گام را در ادبیات اخلاقی و اجتماعی جامعه برداشته یا از مولانای بلخ و لسان الغیب حافظ شیرازی. در غرب عالم نیز داستان *ایلیاد و ادیسه* که نمایه‌ای از تلاش انسان‌های دلاور و هوشیار است، وجود دارد که برای بقای شرافت انسانی با

Archive of SID
www.SID.ir

ارادهٔ منحوسان می‌جنگند. یا آنچه در بازماندهٔ اشعار «الکئوس» می‌بینیم که قدیم‌ترین نمونه‌های شعر غنایی یونان در آن ارائه می‌شود. در واقع ماجرای بیان دردها و مشقّات انسان‌های گرفتار و در بند مرگ و زندگی را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:
ادبیات، شعر، دادگری، پایداری و مقاومت، ظلم‌ستیزی.

مقدمه

عمر ادبیات متعهدّانه به درازای ادبیّات ملّت هاست، زیرا پیشینه‌ی تلقّی از ادب و هنر، یا ادب و هنر محض بوده و یا به گونه‌ای، متعهدّانه و مردمی که در نهایت در خدمت خلق و جامعه بوده است.

کلام الله مجید نیز، تجلّی گاه هنر متعهّد است و تنها به شاعران شریعت پیشه که به اسلام و شریعت محمدّی می پردازند، اعتنا دارد و دیگر شاعران را هوس پیشه و گمراه کننده‌ای می داند که خود در گمراهی‌اند:« الشّعراءُ یَتّبِعهُم الغاوون...»(قرآن کریم، ۲۲۷-۲۱۴).

در میان شاعران ادب پیشه‌ی ایران، ناصر خسرو، متعهّدترین شاعران پیشین زبان فارسی است که به مدّاحان سخت می تازد و مدح و ستایش را فقط در خدمت شرع می داند و بس. از عاشق پیشگان زمینی و غزل سرایان فرشی و دل دادگان بلهوس، جدایی می طلبد و«درّ لفظ دری را» به پای خوکان نمی ریزد:

من آنم که در پای خوکان نریزم مرا این قیمتی درّ لفظ دری را

بدیهی است که شیوه و گفتار سخن سرایان در هر دوره و سبکی، نمایانگر کاربرد کلمات و ترکیبات خاصّی است که در آن عصر رواج یافته و یا در اثر بدعت های ادبی در شعر و نثرشان رسوخ پیدا کرده و بدین گونه است که« شاعران، معمولاً واژگان و فرهنگ خاصّی دارند، یعنی بعضی از الفاظ و کلمات را بیشتر و پاره ای را کم تر به کار می برند...» (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ج اوّل: ۱۲۰)، مثلاً سعدی به واسطه‌ی نوع دوستی و افکار بشر دوستانه از عامیانه های مردم، هم‌چون دود خلق و دود دل خلق و ... در آثار اجتماعی و اخلاقی خود استفاده کرده است.

Archive of SID
www.SID.ir

شبی دود خلق آتشی بر فروخت شنیدم که بغداد نیمی بسوخت
مشو غرّه بر دولت پنج روز به دود دل خلق خود را مسوز

امّا حافظ شیرازی در سده‌ی هشتم، کلماتی مانند سیه چرده، چشم میگون، لب خندان، رند، قلندر، صوفی، شیخ، زاهد، محتسب، درویش، گدا و ... با قدرت کلام و هنرمندی تمام در غزلیات عاشقانه و عارفانه‌ی خود به کار برده است. فردوسی هم در حماسه‌ی ملّی خود به ضرورت سروده‌اش، ویژگی‌های رزمی و حماسی فراوانی را در ترکیبات شعریش نمایانده است.

سرودن قصاید مدحی اخلاقی، همراه با شرافت انسانیت، از ابتکارات دیگر سعدی است و این نوع اخلاقیات، توّسط سعدی به حدّ کمال رسیده تا جایی که وی را می توان بزرگ ترین قصیده سرای اخلاقی اجتماعی پیشین ایران به شمار آورد:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همان لباس زیباست نشان آدمیت

ناصر خسرو، پیشوای قصیده سرایان انتقادی، سیاسی و اجتماعی در ادب پیشین فارسی است. او قصیده را که آبشخور تملّق سلاطین و امیران بود، در خدمت دین و جامعه و انتقاد از زور گویان و اوضاع زمانه قرار داد.

برخی گفته‌اند که سعدی و فردوسی، متعهّدترین شاعران گذشته‌ی ایران‌اند و بوستان و گلستان سعدی، بهترین نمونه‌ی ادبیات اجتماعی و انتقادی در ادب فارسی است. بدان گونه که:« اشعار میهنی و متعهّد فردوسی و شعرهای انتقادی و سیاسی و اجتماعی و بشر دوستانه‌ی سعدی در میان ادب گذشته‌ی ایران از ارج و ارزش خاصّی برخوردار است.»، (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۱۷۷).

هر چند بعضی، حافظ را شاعری متعهّد و اجتماعی محسوب داشته‌اند، امّا باید گفت که ارزش شعری حافظ، بیشتر به سبب وجود اندیشه های رندانه و قلندرانه‌ی اوست و یا به قول دکتر عبدالحسین زرّین کوب، شعر حافظ:«سرود عشق و شراب است.»(زرّین‌کوب، ۱۳۵۷ : ۲۸۱)، امّا باید اذعان داشت که تعهّد اجتماعی حافظ در غزل‌هایش، تنها حمله به ریاکاران و مزّوران مزدور روزگار است.

Archive of SID

www.SID.ir

در این جا باید گفت که شاعران پیشین (به جز عارفان و حقیقت شناسان معرفت)از اوضاع جهانی و زمانه بی خبر بودند و روی دادهایی، هم‌چون تهاجم مغولان، آن هم معمولاً پس از گذشت چندین قرن، بر ایشان مشهود شد.«آمدند و کشتند و سوختند و بردند و رفتند.»، (جوینی،بی تا،۸۳) امّا غافل از این که استمرار این غارت گری ها در دنیای امروز، چنان در تار و پود حیات مردم ریشه دوانیده که علاوه بر تاراج سرمایه های مادّی و معنوی، ارزش های انسانی هم به غارت می رود.

با وجود این گاه گاه، بعضی از شاعران ما در طول زمانه از بی عدالتی‌ها، ناله و فغان سر داده‌اند، بدین گونه است که شاعر دور از سیاست عصر گذشته ما را به تحسّر واداشته و شکوه‌نامه‌ای مصیبت‌زا و درد آلود با مضمون«بوم محنت زای» در قصیده ای مردف، چنین آورده:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد　　هم رونق زمان شما نیز بگذرد
وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب　　بر دولت آشیان شمـــا نیـــز بگذرد

(سیف فرغانی،۱۳۶۴: ۲۱۸-۲۱۷)

تغییراتی که شاعران عهد صفوی در ایجاد حالت جدید شعری دادند، چیزی جز دگرگونی در ماهیت صور خیال و ظاهر بیان شعر نبود، شعر فارسی، سالیان درازی بود که از زندگی مردم فاصله گرفته و به نوعی از زندگی مردم قهر کرده بود.

یکی از ویژگی های شعر تیموری، شعر هنرمندانه، یعنی هنر برای هنر بود، امّا ادبیات در دو قرن اخیر به سبب نزدیک شدن به زبان مردم و جدایی از دربار و اشراف، به تدریج به زبان مردم کوچه و بازار گرایش پیدا کرد. از سوی دیگر به سبب آشنایی بعضی از شاعران و نویسندگان و مترجمان به زبان های اروپایی، کاربرد کلمات فرنگی به ویژه فرانسوی و انگلیسی در شعر و ادب فارسی به وسیله‌ی تعدادی از شاعران و صاحبان ادب، مانند میرزا ابوطالب (نویسنده‌ی کتاب مسیر طالبی، ۱۸۰۴میلادی)که احتمالاً نخستین ادیبی بود که در این راه گام برداشته و برخی دیگر از شاعران سبک هندی (به دلیل زندگی کردن در هندوستان)در ادبیات منظوم و منثور فارسی متداول گردید، پس از وی، ادیب الممالک فراهانی و ایرج میرزا و بعضی دیگر، این راه را ادامه دادند. در آثار شاعران پیش از حمله‌ی مغول، بیشتر اعتراضات بر مبنای علمی و فرهنگی و مبارزه با چالش های عقیدتی و فکری

Archive of SID
www.SID.ir

بود، ولی بعد از تهاجم مغول، مبارزه با ناروایی‌های تربیتی و اخلاقی است که در واقع، مبیّن فروریزی مبانی اخلاقی جامعه و انحطاط سلوک و رفتارهای انسانی است.
نظریه های صاحب *رساله‌ی قشریه* و همچنین علیّ بن عثمان جلّابی در *کشف المحجوب* هم، مبتنی بر مبارزه با انحرافات صوفیان سده‌ی پنجم هجری بوده است که به توالی آن، این مبارزات در اشعار سنایی، عطّار، مولوی و حافظ نیز نقد صوفی و صوفی گری ادامه پیدا می کند.« و این گفتمان پس از حافظ به عنوان یک سنت ادبی، جایگاه خود را در غزل فارسی تثبیت کرده»(چهرقانی،۱۳۸۰: ۸۱).

گذری بر ادب پایداری و مقاومت در منظومه‌های کهن و معاصر

برخی از گرایندگان ادب متعهّد و هواداران ادبیات اجتماعی و انتقادی، انواع ادبی را به دو بخش تقسیم کرده اند، یکی ادبیات عوام و اکثریت مردم(ادبیات مردمی)، یعنی«ادبیاتی که از زندگی و دردها و رنج های اکثریت مردم سخن می گوید و آنان را به عدالت و دادگری رهنمون می سازد، مانند بعضی از اشعار دوران مشروطیت و بعد از مشروطیت ایران، دیگر ادبیات طبقه‌ی مرّفه، یعنی ادبیاتی که حافظ منافع همان طبقات است و به منافع عوام کاری ندارد، مانند قصایدی که فرّخی (سیستانی) ومنوچهری و عنصری گفته‌اند.» (فرشیدورد،۱۳۶۳ : ۹۵).
بعضی دیگر، این نوع ادبی را به ادبیات پایداری و تسلیم، تقسیم کرده اند. ادبیات پایداری و مقاومت، مانند: منظومه های فردوسی و ناصر خسرو و هواداران مشروطه، و ادبیات تسلیم در برابر مقّدرات طبیعت و یأس و نومیدی و شراب خواری ها و مخدّرات و نا بسامانی‌ها و ناروایی‌های های فردی و اجتماعی در دوره‌ی مشروطیت نیز که آشفتگی ها به حّد نهایت رسیده بود، بیشتر سیاست مداران در حوزه‌ی شعر و ادب فارسی، دارای ذوق ادبی و استعدادی توانمند بودند که توانستند با پایداری در برابر نا هنجاری ها، سیاست جابرانه‌ی درباریان را به سلک شعر کشانده و در لابه لای اشعار و نوشته هایشان، آنان را رسوای خاص و عام نمایند.
در حقیقت مجموع گفتار و اشعار ادیبانی هم‌چون: میرزاده‌ی عشقی، عارف قزوینی، سید اشرف الدّین گیلانی، ابوالقاسم لاهوتی، ملک الشعرای بهار و علی اکبر دهخدا به مرام نامه‌های انتقادی و سیاسی آن عصر مبدّل گردید.

www.SID.ir

شعر معاصر فارسی، در حقیقت شعری است مسؤولیت‌پذیر، همراه با تعهّد اجتماعی و سیاسی که با گذشت ایّام بر جلوه های هنری آن افزوده شده است.

نقش شاعران و نویسندگان ایران با خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم در قلمرو سیاست و حمایت از محرومان، مضاعف‌تر و مسؤولیت پذیرتر کرده است تا جایی که بیشتر اشعار هنرمندانه‌ی شاعران مطرح در دهه‌های اخیر به گونه‌ی رمز آمیز، انتقادی‌تر و سیاسی‌تر گردانیده است.

رویکرد شاعران پس از مشروطیت، رهایی از قید اسارت و غارتگری، بیان جور و جفا، شکایت از درد و رنج، استبداد و خودکامگی، عدم تسلیم و مقاومت، ایستادگی در برابر خفقان و بی دادگری، اعتراض به جنگ و خون ریزی، حراست و پاسداری از وطن و کیان مردم و ترغیب انسان‌ها به پویایی و همّت و تلاش مضاعف است.

ادب پایداری در مفهوم خاص خود در این سطح« از مفهوم ادب پایداری، استبداد داخلی یا هجمه و تجاوز خارجی است، مقاومت و پایداری با این مفهوم به لحاظ نظری در ردیف معانی ده گانه‌ی شعر، نظیر مدح، هجا، مرثیه، غزل و ... که قدما مطرح می کردند در شعر فارسی وجود نداشته است.»(شمیسا،۱۳۷۶: ۳۶).

پیشینه‌ی این گونه‌ی ادبیات به جنگ بین الملل دوم می رسد.«پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و به ویژه در فرانسه، متفکّران و هنرمندان، تحت تأثیر جنگ و نهضت مقاومت به این برداشت کلّی رسیدند که باید در تحوّلات جامعه شرکت فعّال داشته باشند. مروّجان این عقیده از جمله سارتر و کامو به نوعی التزام و تعهّد در هنر قایل بودند.»(چهرقانی، ۱۳۸۷، ۱۲۶)

این اندیشه مبارزاتی به جهان عرب سرایت کرد و موجب شد که مردم الجزایر، خود را از اسارت دولت فرانسه رهایی دهند و بعدها فلسطینیان در نهضت انتفاضه، مبارزاتی علیه دولت متجاوز اسرائیل را آغاز کردند.

« امّا واسطه‌ی آشنایی ایرانیان با این نظریات، ترجمه های برخی مترجمان ایرانی از کتاب ها، مقالات، سخنرانی‌ها و حتّی مصاحبه‌های اندیشمندان فرانسوی بود، در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز افکار دکتر علی شریعتی که در فرانسه تحصیل کرده بود و با رهبران جنبش آزادی بخش الجزایر مثل فانون و حتّی خود سارتر آشنایی نزدیک داشت و از آن ها تأثیر پذیرفته بود، رواج نظریه‌ی ادبیات ملتزم در میان شاعران انقلابی مسلمان، هم‌چون: طاهره صفّار زاده، علی موسوی گرمارودی و نعمت میرزازاده کمک کرد.»(همان، ۱۲۶).

Archive of SID
www.SID.ir

البّته باید گفت که سال ها قبل، ادب مقاومت از نوع سوسیالیستی و مارکسیستی، توسّط عواملی در ایران ریشه دوانیده و آثاری از نظم و نثر در این زمینه به وجود آمده بود.دکتر صادق آینه‌وند در باره‌ی ادب مقاومت و پایداری گفته است:«ادب مقاومت از نوع ادب متعّهد و سیاسی است. شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعّهد و بر اساس درک رسالت ومسؤولیت به تولید ادبی می پردازند و هیچ نظری به پاداش و تشویق های دنیوی ندارند.»،(آینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

سیّد ابوطالب مظفّری، شاعر مهاجر افغانی معتقد است:«مقاومت، شامل دو بعد اصلی، یعنی جهاد و هجرت می شود و این دو نیز، اجزای خاصّ خود را دارند، نمی توان مقاومت گفت و هجرت را نادیده گرفت.» (مظفرّی،۱۳۷۳: ۸۷).

واصف باختری، نظریه اش درباره‌ی شعر پایداری چنین است:« شعر مقاومت باید در حوزه‌ی تسلّط دشمن شکل گیرد، چرا که بیرون از این دایره، مقاومت معنی نخواهد داشت.»(باختری ،۱۳۷۳: ۷۴).

شاهنامه‌ی فردوسی هم در جدال و ستیز همیشگی میان خیر و شر مطالبی دارد: « جدال دائمی میان نیکی و بدی که در قالب جنگ‌های ایران و توران جریان دارد...»،(کزازی،۱۳۶۹: ۶۵).

چهرقانی، شاهنامه‌ی فردوسی را به دلایل متعدّد به عنوان نخستین نمونه‌ی جدّی شعر پایداری نام برده است(چهرقانی، ۱۳۸۳:شماره‌ی ۳۹).

نظر فیلسوفان غربی در خصوص تعهّد و التزام مسؤولیت در هنر و ادبیات نیز چنین است:«بسیاری از احتجاجات فیلسوفان غربی در ضرورت تعهّد و التزام در هنر و ادبیات در فضای تفکّر الهی و دینی کاملاً درست و فاقد تناقضات است.»،(جمال پور، ۱۳۶۷: صص۳۷– ۵۵).

در آفت شناسی صوفی‌گری آمده است: « و مهم تر از همه ، جدال بی سرانجام بشر با تقدیر خویش است که بستر خلق تراژدی‌های عظیم شاهنامه شده است.»(چهرقانی برچلویی،۱۳۸۰: ۶۰).

در ادب پایداری کلاسیک ایران، بیشتر شاعران فارسی زبان، مانند: کسایی، فردوسی، سنایی، ناصر خسرو، سعدی، مولوی، حافظ، عبید زاکانی و دیگر شاعران بزرگ به مبارزه با انحرافات اجتماعی پرداخته اند.

Archive of SID

www.SID.ir

دکتر شریعتی در مقدّمه‌ی کتاب *در نقد و ادب* در خصوص تلاش با طبیعت چنین نوشته است: «هنر قلم صنع فرزندان آدم که از بهشت به زمین افکنده شد، می کوشد تا زمین زشت و افسرده را به گونه‌ی بهشتی که جایگاه شایسته‌ی او بوده و هست، آرایش کند و هم چنان که در زندگی نخستینش بود در این زندگی تبعیدی‌اش به شعر بیندیشد و بکوشد، موسیقی بشنود، به رقص برود، نقاشی ببیند، به قدرت تشبیه، آن چه را که در طبیعت، بی حال و بی توان است روح دمد و به نیروی استعاره آنچه را ندارد، ببخشد و به زبان کنایه و رمز از کلمات که اشیای بی جان و ناتوان این جهان اند، آنچه را ندارند و او می خواهد، بیرون کشد، به سر انگشت مسیحای مجاز به همه‌ی اشیا که همسایگان مرده، گنگ و احمق اویند، حیات و زبان و شعور و آشنایی دهد و بر چهره‌ی نا آشنای زمین و آسمان ابله، این توده‌ی انباشته از عناصر، رنگ انس و معنی و احساس و خویشاوندی زند.»(مندور، بی تا: ۱۶–۱۵).

وطن در فضای شعر امروز به جای سرزمین خاص، جهان وطنی است، شاعر دنیا را خانه‌ی خود می‌داند و از دنیای خراب بیزار است، دنیا آباد شود، وطن هم آباد می‌شود. امّا چه فایده که زور مداران، فضای زندگی انسان‌ها را تیره و تار می‌سازند:

«خانه‌ام ابری است/ یک سره روی زمین ابری است/ از فراز گردنه‌ی خرد و خراب و مست/ باد می‌پیچد/ یک سره دنیا خراب از اوست/ ...» (نیما یوشیج، ۱۳۶۹: ۶۲۰).

حال، سخن لسان الغیب شیرازی را در برابر آینه‌ی جفاکاری جفاکاران زمانه می‌گذاریم تا عبرتی باشد برای جهان‌بانان:

کم‌تر ز ذرّه نه‌ای پست مشو مهر بورز تا به خلوت‌گه خوشید رسی چرخ زنان

«در شعر معروف قاصدک، شاعر نیز با کوله باری از یأس و ناامیدی از ناگواری‌ها و نامردمی‌ها احساس می‌کند که درونش آن چنان وسیع است که ابرهای همه عالم، شب و روز در دلش می‌گریند.»(نصرتی، ۱۳۸۷: ۴۵۷).

قاصدک! هان چه خبر آوردی؟/ از کجا و از که خبر آوردی؟/ خوش‌خبر باشی، امّا، امّا، گِرد بام و در من/ بی‌ثمر می‌گردی/ انتظار خبری نیست مرا/ نه ز یاری، نه ز دیّار و دیاری، باری/ ... ابرهای همه عالم، شب و روز/ در دلم می‌گریند... (همان، ۶۲۰).

Archive of SID

www.SID.ir

امّا در عصر وانفسا، عامّه‌ی مردم در اثر ضعف بینش از اوضاع روزگاران بی‌خبر و غافل و ارتباطات جهانی بدین گونه نبود یا رسانه‌های ملّی به شیوه‌ی امروز نیر در اختیار نداشتند و در پایان از زمانه‌ی پرآشوب و قرن شکلک‌ها و وحشتناک پیغام‌های آخر شاهنامه‌ها ناآگاه:
«قرن شکلک چهر/ برگذشته از مدار ماه/ لیک بس دور از قرار مهر/ قرن خون آشام/ قرن وحشتناک‌تر پیغام/ که اندران با فضله‌ی موهوم مرغ دور پروازی/ چار رکن هفت اقلیم خدا را در زمانی بر می‌آشوبند/ هر چه هستی، هر چه پستی، هر چه بالایی/ سخت می‌کوبند/ پاک می‌روبند.»(اخوان ثالث، ۱۳۸۳: ۲۱).

امروز، مسأله‌ی وطن در جهان وطنی است، اگر جهان در قرار و آرامش باشد، همه‌ی سرزمین‌ها در قرار و آرامش خواهند بود، ولی شاعر آزادی‌خواه ما چنانچه آزادگان را در بند ببیند و انسان‌ها را در قید اسارت، فریادش برای نبرد رهایی بخش در عالم طنین‌انداز می‌شود و با قطعه شعری تهوّرآمیز، چنین به یاریش می‌شتابد: «اینک تمام هستی مجروحم/ پاشیده است در همه‌ی جبهه‌های رزم/ چشمم به خون نشسته به «بیت المقدس» است/ دستم جدا افتاده به «سوریه»/ امّا دلم تپیده به «سینا» است/ در امتداد جبهه‌ی طولانی نبرد/ گسترده‌ام چو پیکره‌ای مجروح/ ارابه‌های لشکر دشمن/ چون صخره‌های تفته‌ی پولادین/ بر روی سینه‌ام/ احساس می‌کنم.
هشدار ای برادر رزمنده! / این رزم ناتمام/ گویی که ماجرای «اُحُد» بود! / امّا یقین نبرد نهایی به «خیبر» است/ اینک تمام پیکر امیدم/ آتش گرفته در تب این انتظار گرم/ با من چه کس پیام گذارد/ ز آغاز آن نبرد رهایی بخش!/ با من چه کس پیام گذارد؟»(لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۱۴-۳۱۳).

شاعر عصر حاضر از تبعیض‌های جهان خواران در برابر ملّت‌ها، خونش به جوش آمده و با صدای رسا فریاد می‌زند: «برادران ما در «سینا» می‌میرند/ قبری برای آنان نیست/ باغستان‌های درّه‌ی نیل را اجاره داده‌اند/ در لهستان، «حق وتو» به اشراف تعلّق دارد/ در تایوان، آدم را مثل سیب زمینی کنار هر خوراک می‌نشانند/ باید به برادرت که علیه تو توطئه می‌کند، حق بدهی!/ حق با اوست!/ زندگی لعنتی‌اش را باید ادامه دهد!/ حق با اوست ...»(همان، ۳۳۱).

Archive of SID

www.SID.ir

شاعری دیگر از روزنه‌ی جهان تیره و تار، چندین هزار چشمه‌ی خورشید را نمایان می‌بیند: «احساس می‌کنم/ در بدترین دقایق این شام مرگ‌زای/ چندین هزار چشمه‌ی خورشید/ در دلم/ می‌جوشد از یقین.»(روشنگر، ۱۳۶۹: ۵۷).

سرانجام برای ماندن و آزاد ماندن باید گفت: «فریاد شو/ تا باران/ وگرنه/ مُرداران!»(زرّین کوب، ۱۳۵۸: ۱۶۱). «برداشت اشعار منتخب از کتاب سفر در آینه، مقاله‌ی دکتر عبدالله نصرتی.»

در شعر قیصر امین‌پور، مضامین دوستی و محبّت، صلح و صفا، پرهیز از کینه و دشمنی، انسانیت و دفاع از حق موج می‌زند و عشق را مضمون و محتوای تمام ترانه‌ها می‌داند:

ای عشق، ای ترنّم نامت ترانه‌ها معشوق آشنـــــای همه عاشقانه‌ها
ای معنی جمال به هر صورتی که هست مضمون و محتـــــوای تمام ترانه‌ها

ارزش هنری اشعار امین‌پور در جنبه‌های عاطفی و اجتماعی بیانش نهفته است، زیرا وی توانسته است میان لفظ و معنی و فرم و محتوا پیوندی ناگسستنی به وجود آورد و ضمن پویایی، همراه با دریافت‌های مبتکرانه‌ی هنری به جامعه‌ای عدالت‌مدار و معنوی می‌اندیشد تا آنجا که خواننده را به تأمّل و تفکّر سوق می‌دهد.

قیصر امین‌پور در بیانش به اصول بلاغت، یعنی ارکان گوینده، موضوع و مخاطب، کاملاً واقف بوده و بدین گونه غالباً رضایت خاطر مخاطبان را فراهم ساخته است:

بلاغت غـــــم من انتشار خواهد یافت اگـــر که متن سکوت مرا کتاب کنید
(امین‌پور، تنفّس صبح: ۳۱)

در خصوص کنش کلامی و سخن مقتضای حال آمده است: «خواننده است که تعیین می‌کند سخن به مقتضای حال اوست یا نه! و با توجّه به متن، چه غرض ثانویه‌ای را از جمله، برداشت کرده است! چنان که امروزه در نظریه‌ی کنش کلامی (Speech –act theory) به این جنبه توجّه یافته‌اند.»(شمیسا، ۱۳۸۳: ۸۷).

قیصر امین‌پور، پیوسته با عنایت به احوال و موقعیت خوانندگان به نوعی تلقّی کلامی رسیده و بدین وسیله توانسته است به اصالت تصوّرات وقایع هویت بخشد. پرده‌ای از تصویرپردازی وی را از حقایق جنگ نابرابر و دفاع از وطن را عرضه می‌داریم:

Archive of SID
www.SID.ir

شهیدی که بر خاک می‌خفت
سرانگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت
دو سه حرف بر سنگ
« به امید پیروزی واقعی
نه در جنگ/ که بر جنگ!»(امین‌پور، دستور زبان عشق، ۱۳۸۶: ۱۸).

«ایگلتون» در نظریه‌ی ادبی خود گفته است: «نظریه‌ی دریافت به بررسی نقش خواننده در ادبیات می‌پردازد... بدون خواننده، هیچ گونه متن ادبی پدید نخواهد آمد، متون ادبی در قفسه‌های کتاب وجود ندارند، بلکه طی فرایندهای خواندن، فقط در تجربه‌ی خواننده مادیت می‌یابند، برای وقوع ادبیات، وجود خواننده درست به اندازه‌ی وجود مؤلّف حیاتی است.» (همان، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

شاعر صلح و دوستدار کودکان، در حال و هوای کودکانه، جنگ را مورد نکوهش قرار داده:

توی خرمن، جای خالی، کیف داشت بازی پـــرتاب «توپ آتشی»
دوز بازی‌های بی دوز و کلـــک جنگ با تیر و کمـــان‌های کشی

***

جنگ با مردان، مثل جنگ واقعی جنگ با سنگ و تفنگ و چوب بود
جنگ‌ها مانند جنگ زرگری گر چه پرآشوب، امّا خوب بود
(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۵۵)

وی ترصیع تفکّر را در هوای گشودن پنجره‌ها در بهاران نمایان می‌سازد، شاید جوانه‌اش، غم دیدگان را تاب و توان بخشد:

«ما تصمیم گرفته‌ایم لایحه‌ی تقسیم نسیم را تصویب کنیم! بهار باید فصل اوّل قانون اساسی باشد، باید روزی برسد که اصول اوّل همه‌ی قانون اساسی‌های دنیا این باشد که: هر کس حق دارد دست کم روزی پنج بار پنجره‌ی دل خود را رو به آسمان باز کند!» (امین‌پور، ۱۳۶۵: ۲۹).

و بدین گونه رهایی از قفس و بند، درون مایه‌ی ادبی شعری قیصر است:

چرا مـــردم قفس را آفـــریدند؟ چـــرا پروانه را از شـاخه چیدند؟

Archive of SID

www.SID.ir

چـــــرا پروازها را پـــر شکستند چـــــرا آوازها را ســـــر بریدند؟
(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۶)

نمایه‌ای از این واقعیت در شعر دکتر شفیعی کدکنی قابل ملاحظه است:
در زمانی که بر خاک غلتید/ از تگرگ سحرگاهی آن برگ/ زیر لب/ تند/ با باد می‌گفت:
زنده باد! زندگانی! مرگ بر مرگ! مرگ بر مرگ! (همان، ۴۶۳).

نگاهی به ادبیات متعّهد در غرب

پیداست که ادبیات سیاسی و مبارزاتی، پس از قرن هجدهم میلادی در ادبیات جهانی رواج یافت و به انواع ادبی پیش از آن اضافه گردید. این نوع ادبیات از نظام اجتماعی و سیاست خاصی پشتیبانی یا علیه آن اقدام می کند و زبان به انتقاد می گشاید. بزرگان ادب اروپا مانند ویکتور هوگو، ولتر، ژان پل سارتر و ... آثاری در این زمینه خلق و از خود باقی گذاشته‌اند.

« سدار سنگور» شاعر سیاه پوست فرانسوی زبان، از جمله شاعران استقلال طلب سنگالی است که اشعاری در ذّم استعمار و استثمار علیه فرانسوی ها سرود و مردم را به شورش واداشت.

این گونه ادبیات متعهّد که در بر پایی عدالت و ستایش آزادی در ایران توسّط شاعران بزرگ این عهد صورت پذیرفت، راه را برای سرنگونی ستمگران و مستبّدان حکومتی فراهم کرد. این نوع ادبی که از آغازین سال‌های سده‌ی هجدهم میلادی در اروپا علیه ستم‌کاران شروع گردید، رفته رفته سراسر جهان را در برگرفت و طغیان ملّت‌ها علیه جبّاران آغاز گردید. این نوع ادبیات که در شعر پیشین ایران بی‌سابقه بوده، درگیرودار مشروطیت به نوعی شگرف، جامعه‌ی ایران را به جنبش در آورد و شعر و ادب فارسی را از رکود هزار ساله خارج کرد و بدان قوّت و توان بخشید.

در ادبیات انگلیسی،«وردز ورث»(W. Words Worte)، نخستین کسی بود که عامیانه‌های روستایی را در شعر وارد کرد و به زبان مردم شعر می‌سرود (رک:زرین‌کوب،۱۳۷۲، ۵۴)برخی از پژوهشگران، امیل زولا را بنیان‌گذار نوعی ناتورالیسم دانسته‌اند(رک:سیّد حسینی، ۱۳۷۶: ۴۲۷).

Archive of SID
www.SID.ir

ویکتور هوگو در داستان بینوایان، قهرمانی را خلق می کند که زندگی و وجود خود را برای بینوایان فدا می کند، در حالی که چنین قهرمانی در صحنه‌ی حیات وجود ندارد، حتّی در رئالیست‌ترین داستان‌های«امیل زولا» هم قهرمانی چنین فداکار مانند آنچه در داستان‌هایش نمایان است، وجود خارجی ندارد(رک: شریعتی،۱۳۶۱: ۷۰).

ماکسیم گورکی درباره‌ی مبارزه‌ی انسان با طبیعت گفته است:«نشانه‌ی دشمنی طبیعت این است که هیچ کس نمی تواند در جهان نباشد، از آن رو که به جهان آمده است.»(سارتر،۱۳۷۰: ۳۴).

همو یادآوردی کرده است:«در این راه،طبیعتی که ما را احاطه کرده و این چنین دشمن ماست، هیچ زیبایی و لطفی وجود ندارد،زیبایی چیزی است که انسان با عمق روحش می‌آفریند ...»(گورکی،۱۳۵۶: ۲۶).

دکتر زرّین‌کوب درباره‌ی پهلوانی‌های *ایلیاد و ادیسه*، چنین نقل کرده است:«ایلیاد، داستان دلاوری‌های خشمناک و تا حدّی غیر انسانی آشیل را بیان می کند و «ادیسه» سرگذشت بازگشت اوّلین خردمند چاره‌جوی و دلیر است که از میان توفان‌های بلا و به رغم دشواری‌هایی که خدایان در سر راه قرار می دهند، راه خود را باز می یابد، بدین گونه، هر دو داستان، شرح تلاش انسان است، انسان دلاور و انسان هوشیار که برای بقای خویش، حتّی با اراده‌ی خدایان هم باید پیکار کند.»(زرین کوب،۱۳۵۷: ۸۷).

در افسانه‌ی سیزیف، قهرمانانی که هدف خشم خدایان قرار گرفته، آمده است:

«این قهرمانان که آماج خشم خدایان گشته است،محکومیّت جاودانه ای دارد که صخره ای سنگین را با رنج بسیار به قلّه‌ی کوهی برساند که هنوز بدان بلندی رسیده یا نرسیده،از بازوانش رها می شود و به ژرفای درّه در می‌غلتد و او به دنبال آن فرو می رود تا صخره ای را به بالا بکشاند و باز گواه افتادن آن و تباه شدن رنج خود باشد.»(غالی شکری، ترجمه‌ی روحانی،۱۳۶۶: ۲).

ارنست همینگوی در داستان پیرمرد و دریا در نبرد سرسختانه با طبیعت نوشته است:«انسان و دریا به وسیله‌ی تور ماهی گیری بر سر طعمه‌ای که خوراک انسان را تشکیل می‌دهد با یک دیگر در نبرد هستند، در این جا دیگر پیروز شدن یا شکست خوردن ماهی‌گیر سال خورده در برابر دریای وحشی اهمّیتی ندارد،آنچه مهم است نگارگری این راز ژرف و مستقیم در لحظه‌ی تاریخی شایان آن است. رازی که می گوید انسان به حکم آن که

www.SID.ir

موجود زنده است، همواره درگیر نبردی بی‌امان و خستگی‌ناپذیر در راه زندگی است.»(شکری غالی،۱۳۶۶: ۲).

دکتر عبدالحسین زرّین کوب، اشاره ای دارد به توطئه‌های سیاسی هیأت حاکمه و سابقه‌ی مبارزاتی مردم غرب که مختصرش چنین است:«صناعت مربوط به«لیر» مخصوصاً مقارن قرن هفتم قبل از میلاد در جزیره‌ی لسبوس، رونق بسیار یافت و چون کشمکش‌های سیاسی بین هیأت حاکمه و تمایلات عامّه در آنجا به شدّت رسید، اعیان لسبوس در دنبال توطئه ها و انقلابات مکرّر، محکوم به تبعید شدند و از زندگی پر تجمّل و رفاه به فاقه و شقای غربت و جلای وطن دچار آمدند. آنچه در بازمانده‌ی اشعار الکئوس(Alcaeus) قدیم‌ترین نمونه‌های شعر غنایی یونان ارائه می شود در واقع، شامل شرح و بیان همین آلام و مشقّات زندگی یک تبعیدی است.

الکئوس که در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد به دنبال یک توطئه سیاسی بر ضدّ پیتاکوس(Pitacus) فرمان روای لسبوس از ان جا نفی بلد شد، با آن که شعر را با سیاست می آمیخت، بیشتر یک ستایشگر شراب بود.»(زّرین کوب،۱۳۵۷: ۹۰).

از سده‌ی هجدهم به بعد، آثار بزرگان اروپایی، از جمله ولتر، ویکتور هوگو، مایاکوفسکی و ژان پل سارتر در غرب از نوع ادبیات سیاسی است که منتقدانه با نظام‌های مستکبر به پرخاش و ستیز برمی‌خیزد.

افلاطون، کنفسیوس، تولستوی، دیدرو و ... از پیروان ادبیات متعهد و هوا خواه هنر و ادبیات منتقدانه اجتماعی هستند.

به تعبیر ژرژ کلمانسو«جنگ کردن،آسان‌تر از صلح کردن است.»(هیرمندی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) و «سخن گفتن از صلح هم دشوارتر از جنگ است، زیرا جنگ امری واقعی است، اما از آشتی و آرمان زندگی سخن گفتن به قدرت تخیّل، اندیشه و تجربه‌ی بیشتری نیاز دارد و ما چه قدر به شعرهایی در این زمینه نیازمندیم و شعر خوب در موضوع صلح و صفا بس نادر است...»(ایران زاده،۱۳۸۷: ۳۱).

با افول رمانتیسم و با ظهور مکتب رئالیسم در نیمه‌ی قرن نوزدهم، واقعیت‌های اجتماعی نمود پیدا کرد، پس از آن، سمبولیست‌ها به تعبیرات قالب های صوری و تخیّل قوی در شعر پرداختند و به موسیقی شعر توجّه شایانی نمودند.

Archive of SID

www.SID.ir

«نخستین شعر آزاد را«رمبو» سرود، مالارمه نیز مطالعات بسیاری در ساختار شعر و زبان آن انجام داد و زمینه را برای فرمالیست‌های روسی آماده کرد... شعر آزاد پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشت، از نظر مالارمه، شاعر باید عواطف و اندیشه های خود را با تصویر القا کند، نه آن که بر زبان آورد.»(مریم حسینی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

شارل بودلر، آرتور رمبو و استفان مالارمه، هر سه نظریه‌پرداز بزرگ مکتب سمبولیسم بودند.« ولادیمیر مایاکوفسکی(۱۹۳۰–۱۸۹۳)شاعر معاصر ادبیات روس، از ادبیات به عنوان حربه ای اجتماعی سود می جوید، او قواعد رایج زبانی را در هم شکست، واژه ها و عبارات جاری را در شعر روسی به کار گرفت و بدین طریق شعر خیابانی و توده ای او جلوه گاه ذوق و سلیقه‌ی عوام بود.»(تراویک،باکنر، به نقل از مریم حسینی،۱۳۸۷: ۱۸۴). وی از شاعران پیشتاز چپ گرای جهان بود.

«برشت، الوار، آراگون، نرودا و بسیاری دیگر، قدردانی خود را از هنر مایاکوفسکی بیان داشته‌اند و به تأثیر و نفوذ او در آثار خویش ادعان کرده اند.»(تراش، ۱۳۷۶: ۷۰).

جوزف برادسکی (Brodsky) برنده‌ی نوبل ادبی۱۹۷۸ میلادی، شاعر روسی تبار که در ۱۹۴۰ میلادی از روسیه مهاجرت کرد و در سال ۱۹۹۱ لقب ملک الشّعرایی امریکا دریافت کرده می گوید:« هنر، شکلی از مقاومت در برابر نقض واقعیت است و شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت»(برادسکی، ۱۳۸۷: ۵۵) (به نقل از مجلّه شعر، شماره ۱۶) دکتر علی شریعتی نوشته است:«هنر، همواره بر خلاف آنچه که ارسطو می گوید در این تلاش بوده است که از قید آنچه عینی و محسوس و موضوع علم است بیرون بیاید و انسان را بیرون بیاورد.»(شریعتی،هنر، مجموعه‌ی آثار، ۱۳۶۱: ۲۳).

هم‌چنین درباره‌ی تابلوی مونالیزا می نویسد:« طبیعت، بر لب زنی لبخندی پر معنی نشانده است، امّا داوینچی، چنین لبخندی را بر یک قطعه پارچه بخشیده است و چند گرم خاک و این است آنچه طبیعت فاقد آن بوده است.»(رک: مندور، بی تا: ۱۷).

نتیجه

ادبیات متعهّد و پایداری، در طول قرون، پیوسته بیانگر حق‌طلبی‌ها و ستیز و جدال علیه جور و جفاکاری بوده است.

www.SID.ir

نخستین جلوه‌گاه ادبیات پایداری و مقاومت در مبارزات عقیدتی و فکری در کلام ا... مجید تجلّی یافته است و سوره‌ها و آیات آن حکایت از مبارزه علیه ستمگران و جفای طاغوتیان زمانه و شرک مشرکان دارد.

در برهه‌هایی از زمان، مردم خواهان شعری بودند که بتواند زخم زندگیشان را بهبود بخشد و صدای نهفته در حلقومشان را به فریاد درآورند.

هر چند که ستایشگری در ادب فارسی از قدمتی دیرینه برخوردار بوده، امّا در این میان نیز شاعرانی بوده‌اند که از پشت دیوار قرون، ندای عدالت‌خواهی و مبارزاتی را علیه انحرافات اجتماعی سر داده و در شعرشان نمایان ساخته‌اند.

فردوسی و سعدی و مولوی و حافظ در شعر کهن، بهار و عارف و عشقی و فرخی یزدی و دهخدا و نسیم شمال در عهد مشروطیت و دهه‌های اوّلیهٔ دورهٔ معاصر، از جمله شاعرانی بودند که درباریان را با زخم زبان و مهمیز عدالت در محکمهٔ تاریخ به دار مکافات کشانده‌اند.

ادبیات مبارزاتی و سیاسی در غرب هم سابقهٔ طولانی دارد و از عصر اسطوره‌ها معمول و رایج بوده است و در قرن هجدهم در منتها درجه علیه جبّاران و ظالمان زمانه نمایان‌تر گردیده تا آن‌جا که محتویات شعری این شاعران جهانی انسان‌گرا در طول تاریخ توانسته است ستمگران جبّار را رسوای عام و خاص سازد.

منابع و مآخذ

۱- *کلام ا... مجید.*

۲- آژند، یعقوب، (۱۳۶۳)، *ادبیات نوین ایران*، چ اوّل، تهران، امیرکبیر.

۳- آژند، یعقوب، (۱۳۸۵)، *تجدّد در دورهٔ مشروطه*، تهران، مؤسّسهٔ تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی.

۴- آینه‌وند، صادق، (۱۳۷۰)، *ادبیات مقاومت*، کیهان فرهنگی، ش ۷.

۵- آیینه‌وند، صادق، (۱۳۵۹)، *ادبیات انقلاب شیعه*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

۶- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۸۳)، *آخر شاهنامه*، چ هفدهم، تهران، مروارید.

Archive of SID
www.SID.ir

۷- ارسطو، ترجمه عبدالحسین زرّین‌کوب، (۱۳۴۳)، *فنّ شعر*، چ دوم، تهران، بی‌نا.
۸- امین‌پور، قیصر، (۱۳۶۵)، *توفان در پرانتز*، تهران، برگ.
۹- امین‌پور، قیصر، (۱۳۷۴)، *تنفّس صبح*، چ دوم، تهران، سروش.
۱۰- امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۶)، *به قول پرستو*، چ دوم، تهران، افق.
۱۱- امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۶)، *دستور زبان عشق*، تهران، نگاه.
۱۲- ایران‌زاده، ۱۳۸۷.
۱۳- برادسکی، جوزف، (۱۳۷۳)، *شعر، شکلی از مقاومت در برابر واقعیت*، ترجمهٔ شهلا شاهسوندی، مجلّهٔ شعر، ش ۱۶.
۱۴- بهار، ملک‌الشعرا، (۱۳۲۸)، *مجلّهٔ مهر*، سال پنجم، تهران.
۱۵- تراش، ویکتور، (۱۳۷۶)، *مایاکوفسکی*،ترجمهٔ محمّد مختاری، تهران، نسل قلم.
۱۶- جمال‌پور، علی، (۱۳۶۷)، *چهارمقاله*، تهران، برگ.
۱۷- جوینی، عطاملک، بی تا، *تاریخ جهانگشا*، به اهتمام محمّد قزوینی، تهران، اسماعیلیان.
۱۸- چهرقانی برچلویی، رضا، (۱۳۸۰)، *آفت‌شناسی صوفیگری*، تهران، کیهان فرهنگی.
۱۹- چهرقانی برچلویی، رضا، (۱۳۸۳)، *شاه‌نامهٔ فردوسی*، نخستین منظومه پایداری، مجلّهٔ شعر، ش ۳۹.
۲۰- چهرقانی برچلویی، رضا، (۱۳۸۷)، *سفر در آینه*، مقالهٔ درنگی بر نظریه ادبیات متعهد و پایداری، همایش بین المللی تعامل ادبی ایران و جهان، ۱۳۸۶، تهران.
۲۱- حافظ شیرازی، خواجه محمّد، (۱۳۸۴)، تصحیح دکتر قاسم غنی و علّامهٔ قزوینی، چ نهم، تهران، زوّار.
۲۲- حاکمی والا، دکتر اسماعیل، (۱۳۵۵)، *ادبیات معاصر ایران*، چ سوم، تهران، جاویدان.
۲۳- حسینی، دکتر مریم، (۱۳۸۷)، *سفر در آینه*، تأثیر شعر غربی بر شعر نو ایران، تهران، سخن.
۲۴- روشنگر، مجید، (۱۳۶۹)، *از نیما تا بعد*، چ ششم، تهران، مروارید.
۲۵- زرّین‌کوب، دکتر حمید، (۱۳۵۸)، *چشم‌انداز شعر نو فارسی*، تهران، توس.
۲۶- زرّین‌کوب، دکتر عبدالحسین، (۱۳۵۷)، *ارسطو و فنّ شعر*، تهران، امیرکبیر.
۲۷- زرّین‌کوب، دکتر عبدالحسین، (۱۳۸۱)، *شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب*، تهران، علمی.

Archive of SID

www.SID.ir

۲۸– سعدی شیرازی، دکتر خزائلی، دکتر محمّد، (۱۳۶۸)، *شرح گلستان*، چ ۸، تهران، جاویدان.
۲۹– سیّد حسینی، دکتر رضا، (۱۳۷۶)، *مکتب‌های ادبی*، چ دهم، تهران، نگاه.
۳۰– سیف فرغانی، (۱۳۶۴)، *دیوان*، با تصحیح و مقدّمهٔ دکتر ذبیحا... صفا، ش دوم، تهران، فردوس.
۳۱– شادمان، دکتر فخرالدّین.
۳۲– شریعتی، دکتر علی، (۱۳۶۱)، هنر (مجموعهٔ آثار ۲۳)، چ سوم، تهران، ارشاد.
۳۳– شفیعی کدکنی، دکتر محمّدرضا، (۱۳۵۹)، ادوار شعر فارسی، تهران، توس.
۳۴– شکری، غالی، ترجمه روحانی، (۱۳۶۶)، ادب مقاومت، ترجمه محمّد حسین روحانی، تهران، نشر نو.
۳۵– شمیسا، دکتر سیروس، ۱۳۷۶، انواع ادبی، چ پنجم، تهران، فردوس.
۳۶– شمیسا، دکتر سیروس، ۱۳۸۳، راهنمای ادبیات معاصر، تهران، میترا.
۳۷– فردوسی، حکیم ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، شاه‌نامه، به اهتمام دکتر سعید حمیدیان، تهران، قطره.
۳۸– فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاه‌نامه، (۱۳۷۶)، برتلس و ... (۹ ج)، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.
۳۹– فردوسی، شاه‌نامه، (بی‌تا)، برتلس، تهران، گوتنبرگ.
۴۰– فرشیدورد، دکتر خسرو، (۱۳۶۳)، ج اوّل، *دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی*، ج ۱ و ۲، چ اوّل، تهران، امیرکبیر.
۴۱– کزّاری، دکتر میرجلال‌الدّین، (۱۳۶۹)، *در پیرامون رستم و اسفندیار*، تهران، جهاد دانشگاهی.
۴۲– گورکی، ماکسیم،ترجمه باقرزاده، (۱۳۵۶)، *ادبیات از نظر گورکی*، ترجمهٔ ابوتراب باقرزاده، تهران، شبگیر.
۴۳– لنگرودی، شمس، (۱۳۷۲)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، چ دوم، تهران، مرکز.
۴۴– مظفّری، ابوطالب، (۱۳۷۳)، *شاعری در جستجوی حقیقت است*، مجلّه شعر، ش ۱۳.
۴۵– مندور، محمّد، (۱۳۴۶)، *در نقد و ادب*، ترجمه دکتر علی شریعتی، تهران، امیرکبیر.

Archive of SID

www.SID.ir

۴۶- نصرتی، دکتر عبدا...، (۱۳۸۷)، *سفر در آینه، اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی در شعر معاصر*، تهران، سخن.
۴۷- هیرمندی، (۱۳۸۶).
۴۸- یوسفی، دکتر غلام‌حسین، (۱۳۷۳)، *چشمهٔ روشن*، چ هفتم، تهران، علمی.
۴۹- یوشیج، نیما، (۱۳۶۹)، *مجموعهٔ آثار*، دفتر اوّل، چ دوم، تهران، نشر ناشر.

Archive of SID

www.SID.ir